

این تابلو آئینه تمام نمای مردم ماست

Very true indeed

خواهشمندم شخصی گرفته نشود، نقطه ضعف عمومی است



این تابلو آئینه تمام نمای مردم ماست، مردمی که نمی‌دانند پروفسور به چه کسی اطلاق می‌شود و حتی نمی‌دانند چگونه نوشته می‌شود اما باز هم با استفاده از عناوین استاد و دکتر و پروفسور سعی در ساختن قهرمان برای خودشان هستند.

ما چیزی به نام دکتر آلبرت اینشتین نداریم، استاد ولفگانگ موتزارت تا به حال به گوشم نخورده است. دکتر استیفن هاوکینگ هم ترکیب مسخره‌ای به نظر می‌رسد. می‌دانید چرا؟ چون این انسان‌ها با این عناوین تعریف نشده‌اند. موتزارت را همه جهان با سمفونی‌های بی‌نظیرش می‌شناسند. آلبرت اینشتین و ایزاک نیوتن مترادف علم فیزیک هستند و استیفن هاوکینگ هم نیازی به تذکر "دکتر" پیش از اسمش ندارد.

اما ما دکتر محمد اصفهانی را داریم که خواننده است! دکتر محمود احمدی‌نژاد را داریم که همه کاره است! مهندس علی آبادی را داریم که در ورزش همه فن حریف است! و... و از همه مسخره‌تر هم اسم این کوچه است که من تا به حال نشنیده بودم: "پروفسور دکتر محمود حسابی!" این عناوین برای کسانی است که اگر این عناوین را از پشت اسمشان برداریم هیچ نیستند. مردم ما کاری به اینکه علی دایی با لیسانس متالورژی دانشگاه شریف چه گلی به سر صنعت این مملکت زده ندارند، فقط برایشان مهم است که علی دایی مهندس است، از کجا؟ از دانشگاه صنعتی شریف! پس فوتبالیست لایقی است، چرا؟ چون مهندس است!

در چنین مملکتی و با چنین مردمی اگر افرادی مثل علی کردان همه آبروی داشته و نداشته‌شان را می‌دهند تا یک "ورق پاره" با مهر دانشگاه آکسفورد بگیرند نباید تعجب کرد. چون من و شما برایمان همان ورق مهم است و او هم میان بر زده و همان ورق را برایمان آورده، اشکالی دارد؟ تشنگان این عناوین هم پایان نپذیرند، آن یکی حاجی است و آن یکی دکتر. دیگری استاد است و آن یکی مهندس و آن یکی حضرت آیت ا... .

عناوینی برای جمیع ملت ایران هم وجود دارد: باهوش‌ترین مردم دنیا، با "فرهنگ" ترین مردم جهان، نویسندگان منشور حقوق بشر و... .

اما اینکه ما دکترها و مهندس‌ها و اساتید در کجای کاروان پر شتاب علم و فرهنگ جهان قرار داریم چیزی است که یا درباره آن سکوت می‌کنیم و یا دروغ می‌گوییم! مهم آن پیشوند است که ما داریم.. چرا ایرانیان هستند؟

اوریانای فالاجی در یک مصاحبه از وینستون چرچیل سوال می‌کند آقای نخست وزیر، شما چرا برای ایجاد یک دولت استعماری و دست‌نشانده به آنسوی اقیانوس هند می‌روید و دولت هند شرقی را بوجود می‌آورید، اما این کار را نمی‌توانید

در بیخ گوش خودتان یعنی در ایرلند که سالهاست با شما در جنگ و ستیز است انجام دهید؟
وینستون چرچیل بعد از اندکی تأمل پاسخ می دهد:
برای انجام این کار به دو ابزار مهم احتیاج هست که این دو ابزار مهم را در ایرلند در اختیار نداریم
خبرنگار سوال می کند این دو ابزار چیست؟ چرچیل در پاسخ می گوید!
اکثریت نادان و اقلیت خائن